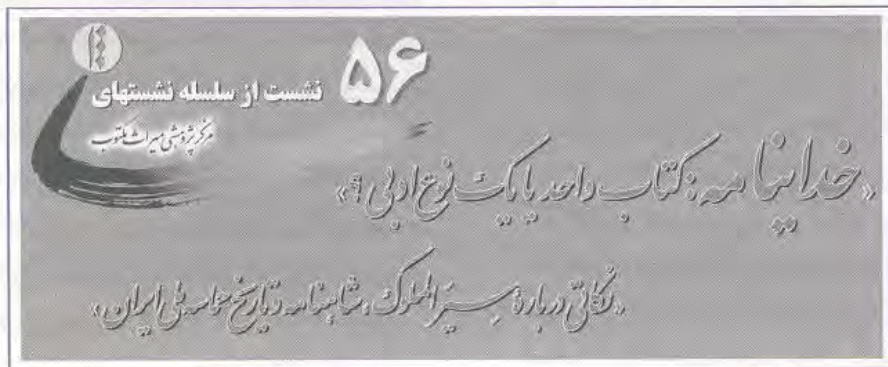




نشست ها و همایش ها



دکتر محمود امیدسالار

آرشیوهای سلطنتی یا اخبار دفاتر شاهان بوده است.

به نظر ایشان وجود این کتاب‌ها در منابع یونانی هم دیده شده و برخی از نویسندگان باستانی یونان به شیوع داستانهای پهلوانی میان ایرانیان اشاره کرده‌اند. مثلاً استرابون می‌نویسد که بخشی از تعلیم و تربیت جوانان

ایرانی آشنا شدن با کارنامه خدایان و پهلوانان است. نیز به شیوع داستانهای مربوط به کورش در میان ایرانیان شهادت می‌دهند.

در کتب تاریخی و حتی تورات ذکر تاریخ‌های شاهانه آمده است. اما ظاهراً تواریخی که در تورات به آنها اشاره شده است از نوع کتب داستانی نبوده‌اند و بیشتر حاوی حوادث و وقایعی بوده‌اند که در طول فرمانفرمایی شاهان مختلف روی داده است.

علیرغم اینکه استناد به این فقرات از تورات در مورد موجود بودن داستانهای حماسی در زمان هخامنشیان درست نیست، اما در اصل موجود بودن کتب داستانی نیز تردید جایز نیست. زیرا اولاً موجودیت آنها از طریق منابع رومی و یونانی تایید می‌شود و ثانیاً عقلانی نیست که

پنجاه و ششمین نشست از سلسله نشست‌های مرکز پژوهشی میراث مکتوب با عنوان «خدای نامه: کتاب واحد یا یک نوع ادبی؟ نکاتی درباره سیرالملوک، شاهنامه و تاریخ حماسه ملی ایران»، با سخنرانی دکتر محمود امیدسالار، (دکترای ایران‌شناسی و کتابدار دانشگاه کالیفرنیا) و با حضور اساتیدی چون دکتر علینقی منزوی، دکتر خالقی مطلق، دکتر محمدحسین ساکت و دکتر علی اشرف صادقی روز دوشنبه ۸۵/۲/۱۰ در محل مرکز برگزار شد.

در ابتدا دکتر اکبر ایرانی، رئیس مرکز، توجه داشتن به آثار مکتوب ایران باستان و ایران عصر اسلامی را حائز اهمیت دانست و گفت: پژوهش و تحقیق در محتوای آثار مکتوب باقی مانده از پیشینیان مهم است از این جهت که در زمانهای مختلف در میان مردم گسترش داشته، عامه مردم با داستانهای اساطیری آشنایی داشتند و امروزه ما موظفیم تصحیح متون را گسترش دهیم تا زنده کننده میراث مکتوب و فرهنگ و تمدن ما باشد.

وی در ادامه به فعالیتهای مرکز پژوهشی و برنامه‌های آتی این مرکز در خصوص پژوهش‌های تخصصی اشاره کرد. سپس دکتر محمود امیدسالار سخنران این نشست به منابع حماسی پیش از شاهنامه اشاره کرد و گفت: کارنامه‌های ملوک و سیر و تواریخ ایشان از همان دوران هخامنشیان در ایران موجود بوده که مطالب رسمی



اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت که کتب گوناگون داستانی در آن زمان موجود بوده و معقول است که تصور کنیم یکی از انواع این کتب داستانی خدای نامه نام داشته که تدوین‌های رسمی و غیر رسمی داشته است. به عبارت دیگر خدای نامه نام کتاب واحد نبوده. بلکه یک نوع ادبی بوده که به داستانهای پهلوانی اختصاص داشته. پس از استیلای اسلام بر ایران و آغاز نهضت ترجمه از پهلوی به عربی، خدای نامه به زبان عربی ترجمه شد و ترجمه عربی خدای نامه را با عناوین مختلف سیرالملوک یا سیرالملوک الفرس، یا تاریخ ملوک الفرس می‌نامیدند که از اینها عنوان سیرالملوک از همه معروفتر بود.

وی عنوان کرد: این حدس که خدای نامه نام کتاب واحد نبوده بلکه عنوانی بوده که به یک نوع ادبی یا داستان‌های شاهان و پهلوانان قدیم ایران می‌دادند، در بعضی کتب تاریخی معتبر مثل تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء حمزه اصفهانی آمده است. بنابراین، گمان اینکه یک خدای نامه واحد وجود داشته و هرچه ترجمه عربی و اقتباس به زبانهای فارسی و عربی موجود است براساس آن خدای نامه صورت گرفته فرض معقولی نیست. البته این فرض که یک خدای نامه شاهانه و بزرگ که شاید دربار ساسانی هم در تولیدش مشارکت داشته نیز در عرض این خدای نامه‌های گوناگون موجود بوده است وجود دارد و حتی می‌توان چنین پنداشت که ترجمه معروف ابن مقفع نیز بر متن متکی بر این خدای نامه شاهانه بوده است. اما اینکه خدای نامه را کتاب واحدی فرض کنیم به نظر بنده بسیار بعید است.

در پایان دکتر امیدسالار به سوالات حاضران در جلسه پاسخ دادند.



امپراطور پهلوانی که اساساً با قدرت نظامی و جنگاوری بر بیشتر دنیای آن روز مسلط بوده است به داستان‌ها و سنن پهلوانی توجهی نداشته باشد.

در هر حال در دوره امپراطوری ساسانیان، یا در زمان خسرو انوشیروان و یا در دوران حکومت یزدگرد سوم داستان‌های ملوک و پهلوانان باستانی ایران به صورت منظمی تدوین شد، و این صورت اخیر را خدای نامه نامیدند. سپس دکتر امیدسالار به چند مطلب قابل تأمل در خصوص خدای نامه اشاره کرد و گفت: یک نکته مهم که درباره تدوین داستانهای حماسی ایران در زمان ساسانیان باید در نظر گرفته شود، ماهیت حماسه و داستان‌پردازی حماسی است. سلسله ساسانیان قریب چهارصدسال بر منطقه وسیعی حکومت می‌کرد و تمام منطقه را تحت کنترل داشت. آیا در این چهار قرن چنین جامعه‌ای که می‌دانیم هم با کتابت آشنایی کامل داشت و هم دارای آرشیوهای دولتی مفصلی بود، هیچ گونه ادبیات مدون که با داستانهای پهلوانی سر و کار داشته باشد، تولید نکرده بود؟ چنین فرضی بسیار بعید است. با توجه به این اوضاع و فضای

به مناسبت بزرگداشت هشتصدمین سال تولد مولانا جلال‌الدین محمد بلخی مرکز پژوهشی میراث مکتوب منتشر می‌کند:

۱. مثنوی معنوی تصحیح نیکلسون، به کوشش حسن لاهوتی
۲. ثواقب المناقب، عبدالوهاب همدانی، تصحیح عارف نوشاهی